



معجزه الهی

به پشتیبانی معنوی همراه با وسایل مادی دارد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران که به معنی پیروزی ملتی بدون سلاح و بدون هیچگونه پشتوانه خارجی بر حاکمی مستبد و صاحب قوی‌ترین ارتش منطقه و متکی بر کمک تمامی ابر قدرتهای موجود و مالک میلیاردها دلار درآمد باد آورده نفتی می‌باشد، به واقع به چیزی جز معجزه شباهت ندارد و با هیچ صفتی دیگر نمی‌توان این پدیده نا ممکن را تعریف نمود و به تحلیل آن پرداخت.

این معجزه، ملت مسلمان ایران را از رنج دوهزار و پانصد ساله رهایی بخشید و زمینه حکومت عدل جهانی و آزادی مستضعفین عالم را فراهم نمود.

نشریه رازی هفدهمین سالگرد پیروزی انقلاب مقدس اسلامی را خدمت تمامی همکاران تبریک عرض نموده و آرزو می‌نماید تا اهداف عالیه این انقلاب هر چه سریعتر در داخل کشور و سایر نقاط جهان تجسم یابد. در اینجا بر مبنای

انقلاب اسلامی ایران را افراد گوناگون، با اوصاف متفاوت توصیف کرده‌اند. عده‌ای آن را موهبت و گروهی دیگر شگفتی بزرگ قرن دانسته‌اند. دشمنان با خوف و ترس از این انقلاب یاد می‌کنند و دوستان با شادی و شمع به نکرش می‌پردازند. موشه دایان وزیر خارجه اسرائیل در دولت بگین، انقلاب اسلامی را به زلزله تشبیه می‌نماید و معتقد است که پس لرزه‌های این حرکت کشورش را نیز خواهد لرزاند. کی‌سینجر طراح معروف سیاست خارجی امریکا انقلاب اسلامی را بزرگترین خطر برای منافع امریکا و کابوسی برای شیوخ عرب خلیج فارس می‌داند و در مقابل حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار این حرکت اصیل، آن را معجزه الهی می‌داند.

با توجه به شرایط و ویژگیهای زمان وقوع انقلاب، شاید نامی بهتر از معجزه الهی برای این پدیده بزرگ قرن نتوان یافت، زیرا معجزه به واقعه عجیبی اطلاق می‌شود که انجام آن از عهده هر فرد عادی بر نمی‌آید و علاوه بر این نیاز

سنت همیشگی از فرصت پیش آمده استفاده نموده و به بررسی اجمالی این معجزه الهی می‌پردازیم.

واژه انقلاب که به معنی دگرگونی و زیرورو شدن است، در علوم اجتماعی مفهومی قدیمی دارد و مانند اصطلاحات دیگر تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. در مورد این واژه هریک از متفکرین برداشت خاصی داشته و بر مبنای نحوه تفکر خود آن را تعریف کرده‌اند.

استاد شهید و بزرگوار مرتضی مطهری انقلاب را عبارت از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یک سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب می‌داند. دکتر علی شریعتی متفکر بزرگ اسلامی انقلاب را عمل اکثریت مردم که بصورت تجلی اراده جامعه که طالب حق تعیین حاکمیت و مسئولیت بر سرزمین خویش است می‌داند.

با توجه به تعاریف مطروحه فوق و هم چنین با نگاهی به نظرات دیگر صاحب نظران، مشخص می‌شود که در انقلاب یک دگرگونی اساسی و تغییری بنیادی در همه ارزشها و نهادهای مسلط مطرح است و تغییرات جزئی و به اصطلاح رفرم در اینجا مورد نظر نمی‌باشد.

برداشت فوق از انقلاب این مفهوم را بدنبال دارد که در این حالت افراد یک جامعه هیچیک از ارزشها و تفکرات و نهادهای حاکم را قبول ندارند و خواهان زیروروشدن همه چیز هستند.

در ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ارزشهای حاکم، ارزشهای شاهنشاهی بود که از سیستم حکومت سلطنتی نشأت می‌گرفت. این ارزشها و معیارها در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تبلور می‌یافت و

در نهایت سیستم و نحوه حکومت را شکل می‌داد. در اینجا ضروری است به شرح و بررسی این ارزشها بپردازیم تا مشخص شود که علت وقوع انقلاب در ایران چه بود و چرا مردم ایران خواهان تغییری اساسی در تمام امور بودند.

حکومت شاه حکومتی لائیک و غیر مذهبی بود و برای اعتقادات دینی نه تنها ارزشی قائل نبود بلکه اسلام را مانع پیشرفت برنامه‌های خود می‌دانست. این حکومت و در رأس آن شاه، بویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سلطنت خود را مدیون امریکا و انگلیس می‌دانست و طبیعی بود که باید بر مبنای نظرات آنها ارزشهای غربی را در تمام زمینه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی بر کشور حاکم نماید.

از آنجا که ما بین این ارزشها و ارزشهای اسلامی تضادی ماهوی موجود بود اختلاف نظر مردم و در رأس آن علمای اسلامی با رژیم بسیار طبیعی می‌نمود.

اقداماتی از قبیل جشن هنر شیراز، حاکم کردن بهائیتها و صهیونیست‌ها در پستهای حساس و کلیدی دولتی، نقش این عناصر در سازماندهی اقتصاد کشور، تغییر تاریخ اسلامی، بازگشت به سنتهای قبل از اسلام در ایران، اسرافکاریها و سوء استفاده‌های بی‌حد و حساب دربار، برگزاری جشنهای دوهزار و پانصد ساله، حضور خیل عظیم خارجیان و بویژه امریکائیتها در کشور و امتیازات تبعیض آمیز همه جانبه برای آنها، ترویج فساد و فحشاء و خلاصه در یک جمله حاکم کردن ارزشهای غربی بر کشور از مهمترین عوامل نارضایتی اجتماعی بود که زمینه را برای وقوع انقلاب آماده می‌کرد. جو سیاسی حاکم بر کشور شرایط بهتری

نسبت به جو فرهنگی و اقتصادی نداشت. مردم ایران هیچ نقشی در تعیین حکومت و دولت نداشتند و انتخابات مجلس شورا کاملاً فرمایشی بود. نکته بسیار مهم در این مقطع اینست که دول غربی علیرغم اینکه خواهان دموکراسی و آزادی برای مردم خود بوده، این پدیده را حق مردم جهان سوم نمی‌دانستند و به همین دلیل تا آخرین لحظات از حکومت شاه که از جمله دیکتاتورترین حکومت‌های جهان بود حمایت کردند.

مهمترین مشکل سیاسی حکومت شاه، عدم استقلال و وابستگی بود که پایگاه حمایتی و مردمی در داخل کشور نداشت و به همین دلیل نظر موافق و یا مخالف آحاد ملت برای رژیم فاقد ارزش بود.

در چنین شرایطی اداره حکومت بر پایه فتنار و اختناق روزافزون قرار گرفت و اقلیت محدود و سرمایه‌دار بر سرنوشت کشور حاکم گردید. فساد بطور اعم و فساد مالی بطور اخص کشور را فرا گرفت. رسانه‌های گروهی در کنترل طیف حاکم در آمد. ارتش که مسئول حفظ تمامیت ارضی کشور و حاکمیت ملی بود در اختیار رژیم سلطنتی قرار گرفت و هدف اصلی سران آن حفاظت از رژیم فاسد شد. در چنین شرایطی دستگاه‌های امنیتی که می‌بایست در جهت کنترل و مقابله با دشمنان کشور عمل نمایند، تغییر جهت داده و تبدیل به بزرگترین عامل ضد امنیتی و ترس و وحشت برای مردم شدند. مجموعه این شرایط طاقت مردم را طاق نمود و آحاد ملت را به این نتیجه رساند که باید تغییری اساسی در کشور صورت پذیرد. این درخواست بقدری ریشه‌ای و عمومی بود که هر فرد یا گروهی با آن مخالفت می‌کرد و یا به چیزی کمتر از تغییر رژیم

رضایت می‌داد از طرف مردم طرد می‌شد.

بر این مبنا، جهت برای رهبری چنین انقلابی، بنفی کامل و همه‌جانبه ارزشها و نهادهای سلطنتی از شرایط لازم بود، ولی به حد کفایت نمی‌رسید. برای کفایت موضوع، طرح ارزشهای جدید که نشأت گرفته از مکتب انسان‌ساز اسلام باشد ضروری می‌نمود، زیرا اکثریت قریب به اتفاق مردم، مسلمان بودند و خواسته‌ای جز حاکمیت اسلام و اجرای قوانین آن نداشتند.

در چنین شرایطی هیچ فردی جز یک مرجع تقلید که آگاهی کاملی نسبت به شرایط زمان داشته باشد، دشمن و پشتیبانان او را بخوبی بشناسد، به قدرت اسلام و مردم معتقد بوده، استبداد و استعمار را شکست پذیر بداند و در یک کلام دست خدا را باتمام وجود در انقلاب مردم ببیند، توانایی هدایت و رهبری چنین نهضتی را ندارد. بر همین مبنا حضرت امام خمینی که نه تنها واجد چنین صفاتی بود بلکه ویژگیهای گوناگون مکمل دیگری نیز داشت، از طرف مردم به رهبری برگزیده شد و نهضت را تا پیروزی نهایی رهبری نمود.

ارزشهای جدید که از طرف امام مطرح می‌گردید، ارزشهای اسلامی بود که برخلاف معیارهای شاهنشاهی برای نجات بشر از ظلم و ستم و فقر و بدبختی و برای تعالی انسان و خداگونه شدن او ارائه شده بود.

طرح این ارزشها از جانب امام و نفی ارزشهای شاهنشاهی از طرف مردم تغییری اساسی در کشور ایجاد نمود و حماسه‌ای بزرگ بنام انقلاب اسلامی ایران را عینیت بخشید.

دکتر سید محمد صدر